مقالهٔ نقد

شیوهٔ روش‌شناسی تحلیلی لغویان

تدریس: محمّدمهدی احسانی‌فر [1]

تقریر و تدوین: محمد مصطفی یکتایی [2]

چکیده

یکی از دانش‌هایی که در فهم بهتر متون قرآن و سنّت کمک می‌کند دانش «فقه اللغة» است. اندیشمندان فقه اللغة روش‌هایی برای ارائه اطلاعات از لغات عرب داشته‌اند. شناخت روش‌های آنها، مرحله‌ای در تکمیل مطالعات این دانش است. شیوهٔ شناخت روش‌های دانشیان فقه اللغة مسئلهٔ این تحقیق بوده که مقالهٔ حاضر در صدد پاسخ به آن است. این نگاشته ضمن روشن‌ساختن مسیر پژوهش، امکان مقایسه بین ویژگی‌های لغویان را فراهم کرده و روش‌شناسی را آسان، یکدست و هدفمند می‌کند. شیوهٔ شناخت از سه محور «اطلاعات هویتی»، «اطلاعات علمی» و «ویژگی‌های علمی لغوی» به‌دست می‌آید که هرکدام دارای سه مرحله است: «مراجعه به خودنوشت‌های لغوی»، «مراجعه به آثار تاریخی و شبه‌تاریخی» و «مهندسی معکوس از آثار لغوی». شناخت، مدل‌سازی و ارزیابی روش افراد توانمند در فهم متن ضمن ایجاد زمینه مراجعه آگاهانه به آثار ایشان، توان مقایسه آن با روش‌های رقیب و تعیین روش برتر را فراهم و در نهایت روش فقیه و محدّث در کشف مراد جدی متکلم (استظهار) را تکامل می‌بخشد. متن حاضر، تقریر بخشی از مباحث حجت الاسلام و المسلمین محمّدمهدی احسانی‌فر در کلاس فقه اللغة است که پس از تدوین و افزودن برخی مطالب، منتشر می‌شود.

واژگان کلیدی

مبنای ادبی، مکتب ادبی، منهج‌پژوهشی هدفمند ادبا، فقه اللغة، رابطه لغت با قرآن و حدیث

---

۱. مدرّس حوزه علمیه قم؛ (ehsanyfar@gmail.com).

۲. طلبه سطح دو حوزه علمیه قم؛ (Mostafakarin۷۷@gmail.com).

مقدمه

سالیان متمادی است دانش «فقه اللغة» در میان شاخه‌های دروس حوزوی دیده نمی‌شود؛ اما ضرورت‌های متعدد، تحصیل آن را لازم می‌سازد. فهم بهتر و فزونتر قرآن و حدیث، فهم برتر زوایای معنا و حکمت قرآن و حدیث و از همه مهم‌تر، توقف فهم دین و فقاهت بر این دانش[3] ضرورت‌های نیاز به دانش است. شمارش دانش لغت در میان مقدمات فهم دین[4] و نیز سیرهٔ عملی قله‌های فقاهت در تحصیل این دانش و بهره‌گیری از آن در فهم متون قرآنی و حدیثی و استنباط گزاره‌های دینی، همگی نشانگر توقف کارشناسی دین بر دانش لغت است.

پس از عصر نزول قرآن و با شکل‌گیری دانش‌های حوزهٔ ادبی، آثار متعدد لغوی توسط ادبا نگاشته شد. با توجه به تفاوت دیدگاه‌ها، روش‌ها و موضوعات این آثار لازم است که علاوه بر مطالعه خود این آثار، با نگاه بیرونی نیز دربارهٔ این آثار پرداخته شود. نتیجه چنین مطالعه‌ای ریشه‌یابی تفاوت دیدگاه‌های لغویان با یکدیگر (مبناشناسی)، مراجعه آگاهانه به قول لغوی، اعتبارسنجی و الگوبرداری از روش ایشان در فهم متن خواهد بود. این قبیل مطالعات تحت عنوان «روش‌شناسی» و ذیل فلسفهٔ آن دانش مطرح می‌شود.[5] برای روش‌شناسی تعاریف مختلفی ارائه شده است؛ اما منظور از آن در این نوشتار، توجه به رفتار علمی اهلِ لغت در تحقیقات لغوی خود و توصیف روش‌های او در گردآوری، تجزیه و تحلیل می‌باشد[6]. پرسش‌هایی که منجر به شناخت شخصیت علمی یک لغوی می‌شود، در شناخت دیگر لغویان نیز به‌کار می‌آید. ازاین‌رو، با جمع‌آوری این پرسش‌های مشترک، می‌توان در قالب طرح تحقیق برای این پژوهش روش‌شناسانه یک الگو ارائه داد. نوشتار حاضر با این هدف به جمع‌آوری این پرسش‌ها در سه زمینه اطلاعات شناختی (هویتی)، اطلاعات علمی و ویژگی‌های علمی پرداخته و نتیجه هر پرسش را بررسی کرده است. هرچند «روش‌شناسی لغویان» در نگاه اول تنها برای کارشناسان ادبی لازم می‌نماید اما نیازهای‌های ذیل آن را برای کارشناسان دینی نیز ضروری می‌سازد:

۱. فهم دین مبتنی بر فهم متون دینی (قرآن و حدیث) است. شناخت الگوی فهم افراد توانمند در فهم متن، یاریگر فقیه در فهم بهتر و بیشتر از متون دینی است.

۲. فقیه در مراجعه به قول لغوی در چارچوب «حجیت قول لغوی»،[7و8] با تعدد روش لغویان در استخراج معنا و تحلیل داده‌های لغوی مواجه می‌شود. شناخت ریشه‌های تفاوت (مبناها) و

---

۳. منظور از فقیه در این نگاشته، منحصر به دانشمند احکام شرعی نیست؛ بلکه عرصه‌های مختلف شناخت دین چون کلام، تفسیر قرآن، شرح حدیث، شناخت احکام شرعی و... را نیز شامل می‌شود.

٤. الاجتهاد و التقلید، ص۹.

۵. فلسفهٔ علم اصول فقه، ص۵۵.

٦. ر.ک: فلسفهٔ فلسفه اسلامی، ص۷٤-۷۵

۷. بنا بر تحقیق با توجه به وثاقت لغوی، قول او در نقل استعمالات حجت، اما تحلیل‌های او از گزاره‌های لغوی حجت نیست.

۸. ر.ک: کارگاه فقه اللغة، سرفصل «قول لغوی».

نیز جایگاه کاربری هر روش، علاوه بر فراهم‌ساختن زمینهٔ مراجعه آگاهانه به لغویان مختلف، مَحَکی برای ارزیابی لغویان در کاربست قواعد ادبی است.

۳. بعد از پالایش روش‌های صحیح، ارتقای آنها و طراحی روش‌های جدید برای نیازهای بدون پاسخ می‌توان «الگوی فهم متن» را ترسیم کرد. بومی‌سازی این مدل در قالب دانش اصول و در نهایت استفاده از مدل نهایی در فهم قرآن و حدیث، موجب فهم بهتر و بیشتر از کتاب و عترت خواهد شد.

با توجه به این ضرورت‌ها، اهداف عمده «روش‌شناسی لغوی» در دو زمینه زیر خلاصه می‌شود:

۱. شناخت روش‌های مختلف در گردآوری، تجزیه، تحلیل داده‌های لغوی، جایگاه هر روش و ارزیابی آنها؛

۲. تکامل الگوی فهم متن که منجر به تکامل الگوی فهم دین می‌شود.

علاوه بر اهداف عمده‌ای که گفته شد می‌توان بهره‌های زیر را نیز از نتایج این مطالعه برشمرد:

۱. شناخت و بهره‌گیری از زمینه‌های علمی مختص دانشمندان لغت؛

۲. آشنایی با تاریخ دانش و دانشمندان علوم ادبی؛

۳. آشنایی با تاریخ علوم در جهان اسلام.

بررسی آثار فارسی‌زبان در این زمینه نشان می‌دهد که هنوز تحقیقی جامع نسبت به شناخت روشی لغویان و عناصر روش‌شناسی صورت نپذیرفته است. برخی از منابعی که تاحدودی به این موضوع پرداخته‌اند، چنین است:

درآمدی بر دانش لغت عربی؛ محمّدحسن ربانی بیرجندی: مؤلف کتاب از استادان برجسته سطح عالی و درس خارج در حوزه علمیه مشهد و متخصص در فن لغت می‌باشد. در این کتاب لغویان مشهور به اجمال معرفی شده‌اند. شناخت اصطلاحات لغویان، تطبیق برخی از کتاب‌های لغت، بیان برخی از ویژگی‌های این آثار، بررسی شیوه‌های تدوین کتاب لغت، دسته‌بندی لغویان بر اساس هدف آنها، معرفی مهم‌ترین غریب القرآن و غریب الحدیث‌ها و بیان ویژگی‌های آنها، مهم‌ترین مطالب مرتبط با موضوع مورد بررسی است. همچنین اختصاص یک فصل از کتاب به معرفی روش مهم و لغوی «نقد استدراکی» به همراه معرفی تفصیلی سیدعلیخان مدنی (از پرچمداران این روش) و اثر لغوی او در فصلی دیگر از کتاب، از ویژگی‌های دیگر این کتاب است. با وجود اطلاعات ارزشمند در این کتاب، عدم بررسی تمام لغویان به همراه پراکندگی اطلاعات و عدم جامعیت آنها، باعث شده است که پاسخگوی بسیاری از سؤالات مربوط به روش‌شناسی لغویان نباشد.

درسنامه علم لغت؛ محمدحسن وکیلی: این اثر را می‌توان جامع‌ترین اثر موجود به زبان فارسی در دانش لغت دانست. او در مقدمهٔ بخش سوم کتاب با موضوع بررسی کتاب‌های لغت، راه‌های

مختلفی برای بررسی اجتهادی معنای لغت معرفی کرده اما مراجعه به لغویان و کتاب‌های لغت را بهترین و آسان‌ترین راه شمرده است؛ البته مفسر را بی‌نیاز از راه‌های دیگر نمی‌داند. وی پس از بیان اهمیت ارزش‌گذاری کتاب‌های لغت در بررسی اجتهادی معانی، موازین ارزش‌گذاری را به دو گونه خاص و عام تقسیم کرده است؛ موازین مربوط به ارزشیابی صحت تفسیر یک واژه و موازین مربوط به تعیین ارزش عمومی یک کتاب. آنگاه به شکل تفصیلی موازین ارزش‌گذاری عام را در دو محور «مؤلف» و «کتاب لغت» بررسی کرده است. این کتاب پانزده اثر لغوی به شکل تفصیلی و دوازده اثر دیگر به شکل اجمالی که مورد اقبال جامعهٔ علمی قرار گرفته‌اند را معرفی و تک‌تک ملاک‌های ارزش‌گذاری را در موردشان وارسی نموده است؛ بنابراین این کتاب از جهت تعداد آثار لغوی و نیز کیفیت بررسی آنها (نظم و اتقان بیشتر) بر کتاب گذشته برتری دارد. همچنین تعیین ملاک‌های ارزش‌گذاری از ویژگی‌های ممتاز این کتاب است. بر این اساس دو جهت در بررسی مؤلف مطرح است: ۱. کتاب‌محور بوده و تنها به بررسی مشهورترین اثر لغوی آن دانشمند پرداخته است؛ ۲. ارزش‌محور بوده و در صدد اعتبارسنجی کتاب‌های لغت بوده؛ نه شناخت روش‌ها و الگوبرداری از آن.

درآمدی بر لغت‌شناسی: این درسنامه به تألیف گروهی از نویسندگان نوشته شده و یکی از ویژگی‌های ممتاز خود را پرداختن به روش‌شناسی لغویان معرفی کرده است. این کتاب در یک مقدمه و سه بخش ارائه گشته است؛ «آشنایی با مبانی و مسائل لغت‌شناسی»، «آشنایی با معاجم لغوی» و «روش مراجعه به معاجم». دو نقطه از این کتاب با موضوع مورد بحث ارتباط دارد: ۱. تمام بخش دوم که پس از بیان تاریخچهٔ تدوین معاجم لغوی و دسته‌بندی آنها، به معرفی معاجم لغوی بر اساس دسته‌بندی مذکور پرداخته است. در معرفی هر معجم، ابتدا شخصیت نویسنده معرفی و سپس معجم لغوی، ویژگی‌ها و روش لغوی در چینش واژگان و ارائه معنا بررسی شده است. در بررسی شخصیت لغوی گاهی از گزاره‌های تاریخی در اعتبارسنجی استفاده و گاهی به گزارش صرف اکتفا کرده است؛ همچنین به برخی از اطلاعات مثل اساتید و شاگردان، مذهب کلامی و فقهی و محل رشد پرداخته نشده است. با وجود این می‌توان آن را یک اثر خلاصه و جامع دانست که برای سطح آشنایی (هدف کتاب) کافی است. ۲. قسمت نهایی از بخش سوم (درس آخر) با موضوع روش‌شناسی شناخت لغات، دو روش عمده «روش نقل» و «روش تحلیل» را بررسی کرده است. ایشان با تقسیم‌بندی لغویان به صاحب‌سبک و تابع (پیرو)، شیوه بیان و تحلیل سه لغوی صاحب سبک، ابن‌فارس، راغب اصفهانی و مرحوم مصطفوی را بررسی کرده، به برخی روش‌های تحلیل مثل «تحلیل با ملاحظه میدانی استعمالات»، «تحلیل ذهنی» و «تحلیل جدا از محیط و فرهنگ زبان عربی» اشاره کرده و برخی نکات انتقادی به این آثار را بیان نموده است.

برخی از کاستی‌های این کار عبارت است از: ۱. معجم‌محوری (در مقابل لغوی‌محوری) و عدم بررسی سایر آثار آن لغوی؛ ۲. معرفی گذرا نسبت به معاجم لغوی؛ ۳. عدم بیان برخی اطلاعات مهم دیگر دربارهٔ لغوی؛ از قبیل مکتب ادبی لغوی و گرایش وی در آن مکتب، نظریات خاص لغوی، تعیین زمینه بهره‌گیری از لغوی در تحقیقات لغوی و...؛ ٤. عدم بررسی لغویان کمتر شناخته‌شده؛ ٥. نیاز به بهره‌گیری ضعیف و یا حتی عدم بهره‌گیری از منابع دست اول.

اما مهم‌ترین کاستی تحقیقات پیشین «نپرداختن مستقل به روش تک‌تک لغویان»، «شناسایی، تحلیل و الگوگیری از روش‌ها» و «تولید روش‌های مورد نیاز بر پایه روش‌های پیشین» است.

برای شناخت هر لغوی لازم است سه گونه از اطلاعات به‌عنوان سه پرسش اصلی تحقیق جمع‌آوری شود: ۱. اطلاعات هویتی؛ ۲. اطلاعات علمی؛ ۳. ویژگی‌های علمی. هرچند در نگاه اول اطلاعات شخصی و جایگاه علمی در روند روش‌شناسی لغوی بی‌تأثیر جلوه می‌کنند، اما در مراحل تحلیل و نگارش، اثر آن بر شناخت روش لغوی روشن می‌شود. برای به‌دست‌آوردن اطّلاعات در هر یک از سرفصل‌های یادشده سه روش وجود دارد: نخست، استفاده از خودنوشت‌های لغوی؛ دوم، بهره‌گیری از منابع تاریخی و شبه‌تاریخی عمومی و تخصّصی؛ سوم، مهندسی معکوس در آثار نویسنده. استفاده از هر سه روش در کنار هم ضروری است؛ چراکه اطّلاعات یکدیگر را تکمیل می‌کنند. در این تحقیق کتابخانه‌ای از کتاب‌ها و مقالات نگاشته شده دربارهٔ لغویان مختلف و آثار ایشان تنها به‌عنوان سرنخ تحقیقاتی استفاده می‌شود؛ یعنی ضمن تأکید بر استفاده از یافته‌های دیگران، برای حفظ استقلال در فهم و تحلیل و نتیجه‌گیری، از گزارش‌ها و مستندات پژوهشی دست اول استفاده می‌شود که یافته‌های دیگران می‌تواند سرنخی برای رسیدن به آن باشد. با این رویکرد می‌توان گزاره‌های مشهور و یا حتی آشفته (ضد و نقیض) دربارهٔ شخصیت، نظریات و مکتب هر لغوی را ارزیابی کرد و خطای تحقیقاتی را کاهش داده و اعتبار پژوهش را افزون کرد. بنابراین روش حاکم بر این پژوهش تتبعی- تحلیلی است. پس از گردآوری و تحلیل اطّلاعات در هر یک از سرفصل‌های یادشده، الگوی لغوی لغت‌شناس، (از مبادی تا نتیجه) ترسیم می‌شود.

الف. اطلاعات هویتی (آگاهی‌های شناختی)

از میان اطلاعات هویتی، تنها آن دسته از آگاهی‌های شناختی ارزشمند است که به شناخت شخصیت علمی و روش‌شناسی لغوی کمک کند. این اطلاعات عبارت‌اند از: نام کامل لغوی، زمان و محل تولد، محل رشد، اطلاعات نژادی شامل قبیله پدر و مادر، فضایل اخلاقی و علمی، مذهب کلامی و فقهی، زمان و محل وفات.

۱. نام کامل لغوی

شناخت نام کامل لغوی فواید مختلفی دارد؛ از جمله:

تمایز از افراد مشابه: این تمایز در شناخت حوادث تاریخی دوران او، ویژگی‌ها و تخصص او اهمیت دارد. برای نمونه: در تاریخ، شش تن به‌عنوان «ضبی» شناخته شده‌اند که دو تن آنها از ادبای بزرگ ادب بوده‌اند؛ یونس بن حبیب ضبی و مفضل ضبی. عدم تمایز این دو ادیب رقیب از همدیگر و سایر دانشمندان هم‌نام اشتباه‌ساز است. همچنین ادبای مختلفی با نام «أخفش» شناخته می‌شوند؛ از جمله أخفش اکبر، أخفش اوسط و أخفش اصغر.

برخی از ادبا که رابطه پدر و فرزندی دارند به یک نام خوانده شده‌اند. «أبوبکر محمد بن قاسم الأنباری» علاوه بر مشابهت نامش با أبوالبرکات الأنباری، صاحب کتاب «الإنصاف فی مسائل الخلاف»، با پدر خود «أبومحمد القاسم بن محمد البشار الأنباری» نیز اشتباه گرفته می‌شود؛ چرا که نام هر سه ادیب با «ابن‌الأنباری» شناخته می‌شود. «هشام بن محمد بن سائب کلبی» نیز با پدر خود مشابهت دارد و هر دو «ابن‌سائب کلبی» خوانده می‌شوند.

شناخت نسب لغوی و قبیلهٔ منتسب به او: به‌عنوان مثال: «أبوالحسن علی بن حازم لحیانی هُذَلی» منتسب به قبیله هذیل، از قبایل اصیل کوفی و عراقی است؛ ولی «أبو بشر عمرو بن عثمان حارثی» (سیبویه) منتسب به بنی‌حارث و از موالی آنها بوده و اصالتی غیر عربی داشته است.

شناخت برخی خصوصیات (مکتب، ویژگی‌ها و...): از نام کامل ابن‌الأعرابی یعنی «أبوعبدالله محمد بن زیاد الکوفی اللغوی ابن‌الأعرابی»، دانسته می‌شود که او منتسب به مکتب کوفه بوده است.

۲. اطلاعات ولادت و وفات

دانستن زمان تولد و وفات، دورهٔ زندگانی لغوی را مشخص می‌کند. این شناخت علاوه بر کمک به ترسیم تصویر روشن از وضعیت زندگانی آن لغوی، پاسخ برخی از سؤالات را روشن می‌سازد:

- ارتباط لغوی با رویدادهای تاریخی آن دوره؛ به‌ویژه اتفاقات مربوط به ائمه اطهار علیهم‌السلام؛
- حضور و درک لغوی در دورهٔ نزول قرآن یا صدور حدیث؛
- معاصرت با دوره‌های علمی تأثیرگذار بر نظریات لغوی؛ مثل دورهٔ ترجمه، عصر شکوفایی فقه و...؛
- اعتبارسنجی برخی اطلاعات ادعاشده در مورد لغوی.

مثال ۱. مفضل بن محمد ضبی در جریان قیام ابراهیم بن عبدالله بن حسن مثنی[۹] (برادر نفس زکیه و فرزند عبدالله محض) به‌همراه ابوحنفیه مشارکت داشت. وی پس از شکست این قیام به زندان می‌افتد ولی به‌جهت علمیت خود و به‌شرط آموزش فرزندان خلیفه عباسی آزاد می‌شود و با دربار ارتباط می‌گیرد. او بار دیگر به‌همراه برادر ابراهیم، یحیی بن عبدالله بن حسن مثنی قیام می‌کند که در اثنای آن از دنیا می‌رود.

با توجه اطلاعات گفته‌شده می‌توان احتمالاتی را دربارهٔ مذهب فقهی و کلامی او مطرح کرد؛ از جهتی می‌توان گفت: همراهیاو با ابوحنفیه، مذهب فقهی او حنفی و ار جهت کلامی گرایش به معتزلیان داشته است و از طرف دیگر به‌جهت رهبری علویان در مخالفت با بنی‌عباس و قیام برعلیه آنها، می‌توان او علوی نامید.

مثال ۲. خلیل به‌عنوان اولین معجم‌نگار عربی در دورهٔ زمانی ۱۰۰ – ۱۷۵ هجری می‌زیسته و قطعاً دورهٔ نزول قرآن را درک نکرده، اما در دورهٔ صدور حدیث حضور داشته است. این گزاره مشخص می‌سازد که در تفسیر واژگان آیات قرآن کریم نمی‌توان بدون بررسی به «العین» اعتماد کرد؛ چراکه ممکن است استعمالات و معانی تطوریافته را ذکر کرده باشد.

مثال ۳. بسیاری از لغویان و ادبا در عصر ترجمه رشد کرده‌اند. آیا علوم واردشده مثل منطق و فلسفه یونان بر روی دریافت‌های ارتکازی و تحلیل آنها تأثیر داشته است یا خیر؟ به‌عنوان مثال، أبوعبیده مَعمَر بن المثنی در دورهٔ شعوبی‌گری می‌زیسته و خود طرف‌دار این تفکر بوده و قرائن نشان می‌دهد که این جریان در نظریه‌های لغوی او تأثیر گذاشته است.

مثال ٤. ادعا شده است که جاحظ شاگرد خلیل بوده است. با توجه به سال تولد جاحظ (۱۵۰ هـ) و تاریخ وفات خلیل (۱۷۵ هـ)، او می‌توانست اواخر عمر خلیل را درک کند؛ اما برای صحت‌سنجی این گزاره نیاز به قراین دیگر است؛ مثل وجود نقل مستقیم از خلیل. در غیر این صورت او شاگرد شفاهی خلیل نخواهد بود؛ بلکه تنها شاگرد مکتوب او است.[۱۰]

از آنجا که برخی اطلاعات تاریخی به‌طور ناقص به‌دست ما رسیده، در موارد متعددی تاریخ اتفاقات مشخص نیست یا به‌صورت مردد بیان شده است. در این صورت با استفاده از سایر داده‌های تاریخی و قرائن می‌توان حدود این تاریخ را مشخص کرد یا یکی از احتمالات را ترجیح داد. اگر چنانچه پژوهشگر به این قرائن دست نیابد یا حتی به جستجوی آنها نپردازد، لازم است بدون ترجیح هیچ یک از احتمالات، صادقانه این مطلب را ذکر کند.[۱۱]

---

۹. وی فرزند عبدالله محض و برادر نفس زکیه، معروف به «قتیل باخَمرا» است. او در سال ١٤٥ هجری علیه منصور عباسی قیام کرد و در منطقه «باخمرا» کشته شد.

۱۰. به‌عنوان مثال: فضلای امروز حوزوی شاگرد مکتوب آیت الله بروجردی (ره) محسوب می‌شوند.

۱۱. غیر از آثار معنوی صداقت، از جمله فواید این است که محققان بعدی مطلب را تمام‌شده نمی‌بینند و به تحقیق در این زمینه ادامه می‌دهند.

مانند: دو تاریخ ۱۵۰ و۱٦۰ هجری برای ولادت جاحظ ذکر شده است. با توجه به اینکه او خود در یکی از اشعار خویش به تاریخ تولدش اشاره کرده، تاریخ اول درست است؛ مگر اینکه دلالت این شعر یا انتسابش به شاعر محل تردید باشد.

علاوه بر زمان تولد و وفات، دانستن مکان این دو می‌تواند برخی از مسائل را پاسخ دهد؛ از جمله:

تأثیرگذاری ویژگی‌های مکان تولد در فصاحت ادیب و دریافت‌های ارتکازی او؛

تأثیرپذیری علمی از فضای علمی محل سکونت؛

آشنایی او با زبان‌ها دیگر.

مثال: نضر بن شمیل در سال ۱۲۲ هجری در مرو به دنیا آمده است. این گزاره این گمانه را تقویت می‌کند که او در محیط فارسی رشد کرده است. با وجود این، دریافت‌های او از واژگان عربی محل تردید خواهد بود. اما بررسی بیشتر نشان می‌دهد که پدر او عرب اصیل تمیمی و اهل مسافرت بوده که نضر بن شمیل در جریان یکی از مسافرت‌ها در این شهر به دنیا آمده است. بررسی بیشتر معلوم می‌سازد او پس از شش سال به محیط عربی بازمی‌گردد؛ یعنی در عین آشنایی با زبان فارسی، یک عرب زبان است و این به قوت او در تفکیک واژگان عربی از فارسی کمک می‌کند. همچنین با توجه به اطلاعات به‌دست آمده، او علاوه بر زبان‌های عربی و فارسی با زبان رومی نیز آشنا بوده است.

۳. اطلاعات نژادی

تعیین انتساب پدر و مادر لغوی به هر یک از قبایل عرب، دومین دسته از اطلاعات هویتی مورد نیاز برای شناخت لغوی است. در مورد اطلاعات نژادی چند مسئله دنبال می‌شود؛ از جمله: آیا پدر و مادر لغوی از فرزندان همین قبیله بوده‌اند یا غیرعرب‌هایی هستند که با این قبیله، پیمان ولاء بسته‌اند؟ در صورتی که از موالی باشند، قبیله آنها اصیل اما نژاد آنها اصیل نخواهد بود؛ هرچند می‌توان گفت برخی لغات این قبیله به او منتقل شده است. البته انتساب به قبایل اصیل عرب تنها ملاک نیست؛ بلکه ممکن است ادیبی عجم بوده اما فهم عربی او قابل توجه باشد.

مانند: پدر ابوعبید قاسم بن سلّام هروی عبد رومی بود که در هرات مسلمان شد؛ مکان تولد و تحصیلات اولیه خود او نیز در هرات بوده است. او بعدها به بغداد رفت و با قبیله «ازد» پیمان ولاء بست. هرچند انتظار می‌رود که او در دریافت‌های عربی خود تحت تأثیر رشد خود به زبان فارسی باشد اما نه‌تنها کسی نسبت به عربیت او نقدی وارد نساخته، بلکه ابوقدامه در مقایسه با علما، او را در لغات عرب اعلم دانسته است.[۱۲]

همچنین از مسائل دیگری که در اطلاعات نژادی پیگیری می‌شود: بررسی اصالت یا اختلاط آن قبیله با غیر عرب یا عرب غیر فصیح و نیز تعیین لهجه تکلم آن قبیله (حجاز، عراق، یمن یا...) است.

---

۱۲. تاریخ بغداد، ج۱۲، ص۴۱۰

٤. محیط رشد

مکان و دورهٔ رشد لغوی می‌تواند اطلاعات مهمی را دربارهٔ او روشن کند:

رشد در محیط عربی یا غیر عرب: سیبویه در ایران رشد کرده و سپس برای تحصیل علوم دینی وارد محیط عربی شده است. بر این اساس گمانه تأثیر منفی رشد او در محیط غیر عربی بر دریافت‌های عربی او وجود دارد. با توجه به این گزارش که هیچگاه تکلم او به زبان عربی بدون لکنت نبوده و نیز وجود خطا در تحلیل‌های او از استعمالات عربی، این گمانه را تقویت و حتی تثبیت می‌کند. در مقابل بیان شد که شخصیت‌هایی چون نضر بن شمیل و قاسم بن سلّام توانستند بر این ضعف غلبه پیدا کرده و از آشنایی خود با زبان‌های دیگر بهره‌برداری علمی داشته باشند.

رشد در محیط عربی شهری یا بوادی: هرچند رشد در محیط عربی نقطه قوت لغوی است اما این نکته قابل توجه است که لغت شهری به‌جهت اختلاط با زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر لزوماً نمی‌تواند حاوی لغت اصیل مربوط به دورهٔ نزول قرآن و عصر صدور حدیث باشد. این نکته اعتبار دریافت‌های لغوی که در شهر بزرگ شده است را تنزل می‌دهد. البته این ضعف با سفر لغویان به بوادی و مناطق دورافتاده دست‌نخورده قابل جبران است که در بخش اطلاعات علمی بررسی خواهد شد.

۵. تعیین لهجه

مناطق مختلف عربی به لهجه‌های مختلفی تکلم داشته‌اند. این لهجه‌ها علاوه بر تفاوت در شکل گفتار خود با لهجه‌های دیگر، ممکن است در معنا هم متفاوت باشند. به‌عنوان مثال واژه «عدس» در لهجه حجازی به معنای نخود و در لهجه عراقی به معنای دانه عدس است.[۱۳] رشد لغوی در هر منطقه بیانگر آشنایی او به لهجه آن منطقه می‌باشد. نکته منفی این آشنایی، تأثیر آن لهجه در دریافت‌های او از واژگان و نکته مثبت آن، دسترسی به لغات مربوط به آن لهجه است که در تفسیر قرآن و حدیث اهمیت دارد.

٦. فضایل اخلاقی و علمی

لغویان در کتاب‌های تاریخی و ادبی و البته از نگاه معاصران خویش با ویژگی‌های مختلفی توصیف شده‌اند. این گزارش می‌تواند عدالت و نیز ضبط لغوی و در یک کلام وثاقت او را تعیین کند. برای تعیین عدالت به حرف‌هایی که در مورد آن لغوی وجود دارد اکتفا می‌شود؛ اما برای تعیین ضبط و میزان آن، علاوه بر استفاده از اقوال نقل‌شده از ادبا، خود محقق به‌صورت میدانی و با استفاده از ملاک‌های اعتبارسنجی اقدام کارشناسی می‌کند. بر این اساس عدم

---

۱۳. ر.ک: الکافی، ج٦، ص٦٤٣.

گزارش از ضبط لغوی و یا گزارش منفی برای قضاوت کافی نیست؛ زیرا از یک‌سو ممکن است دو ادیب رقیب و یا شاگردان آنها همدیگر را متهم کرده باشند و از سوی دیگر گاهی گزارش‌ها در مورد یک لغوی ناقص است. احتمال از بین‌رفتن این گزارش‌ها در طول تاریخ ضعیف، اما احتمال منزوی‌کردن توسط دیگران قوی است؛ چون در مورد دیگر لغویان گزارش‌ها رسیده است.[۱۴]. از جمله ادبایی که احتمال انزوا دربارهٔ آنها می‌رود، اخفش اکبر و ابن‌الأنباری هستند. مانند: ادبا در مورد قوت علمی اصمعی سخن گفته‌اند اما دربارهٔ وثاقت او چیزی گفته نشده است. این سکوت شاید بدان‌جهت باشد که او در مباحث مختلف اهل مجادله و تقریبا با همه سر دعوا داشته است.[۱۵]

نکته قابل توجه آنکه امروزه ممکن است برخی موارد عدالت را زیر سؤال ببرد؛ در حالی که در جامعه گذشته چنین نبوده است. به‌عنوان مثال امروزه استفاده از آثار دانشمند دیگر سرقت ادبی محسوب می‌شود؛ اما این کار در آن دوره شایع بوده و ناسازگاری با عدالت نداشته است. بنابراین در سنجش عدالت، فرهنگ آن روز ملاک است. به‌عنوان مثال نقلیات غریب الحدیث «قاسم بن سلام» و نقل‌های به‌جامانده از غریب الحدیث «نضر بن شمیل» با هم برابری دارند؛ به‌گونه‌ای که اختلاف شده که اولین نگارنده غریب الحدیث کدام یک از این دو ادیب بوده است. این برابری نشان از استفاده یکی از این دو از کتاب دیگری دارد؛ در حالی که هیچ‌کس این دو را به‌خاطر این اتفاق متهم به سرقت نکرده است.

۷. مذهب کلامی و فقهی

گرایش ادیب به هر یک از مذاهب فقهی و کلامی می‌تواند در برداشت‌های او از قرآن و حدیث و تفسیر واژگان تأثیر داشته باشد. بر این اساس، دانستن مذهب یک شخص در شخصیت کلی یک لغوی تأثیرگذار نیست؛ اما کارشناس در رجوع خود به لغوی در معناکردن برخی کلمات مثل واژگان خاص فقهی، واژگان ویژه‌ای چون ولایت و عبارت‌های قرآنی دربارهٔ خدا، با دقت بیشتری عمل می‌کند.

مثال: اگر شخص تابع فقه حنفی باشد، با توجه به اینکه ابوحنفیه «إنما» را مفید حصر نمی‌داند، این شخص در دلالت آیه ولایت دارای دیدگاهی خاص خواهد بود.

مانند: ابوعمرو شیبانی، صاحب الجیم، از اولین داعیه‌داران ظاهرگرایی بوده است. بر اساس این مذهب، او مبنایی را اختیار کرد که تا زمانی شعر و نثر عرب در اختیار است، حق تأویل لغت

۱۴. عوامل مختلفی برای منزوی‌کردن وجود داشته است؛ از جمله: اختلافات مکتبی، رقابت‌های علمی، اختلافات سیاسی و... .

۱۵. کارگاه فقه اللغة، جلسهٔ ۷۱.

قرآن، حدیث یا شعر وجود ندارد؛ مگر آنکه خود قرآن یا حدیث بیان داشته باشد یا از طریق معتبری ثابت شود که منظورش، چیزی غیر از معنای پذیرفته‌شده در شعر و نثر عرب است.

نکته: در میان مذاهب کلامی، مذهب اعتزالی به مذهب کلامی شیعه نزدیک‌تر است. با وجود این ممکن است که کسی معتزلی باشد اما محبت خاصی به اهل‌بیت علیهم‌السلام نشان ندهد؛ مثل جاحظ که امیرالمؤمنین علیه‌السلام را به‌عنوان یک ادیب متقی می‌شناسد!

جمع‌بندی

رعایت ترتیب مذکور در بیان اطلاعات هویتی موجب می‌شود که تا تصویری روشن از آن لغوی ترسیم شود؛ مثل یک نقاشی که با تکمیل منظم هر بخش از آن، یک تصویر کامل ایجاد می‌شود. این تصویر در نهایت می‌تواند جمع‌بندی مناسبی از آن لغوی ارائه دهد و بخشی از شخصیت علمی او را روشن سازد.

ج. ویژگی‌های علمی

ویژگی‌های علمی شاخصه‌هایی است که فرد با آنها شناخته می‌شود. این ویژگی‌ها شامل نظریات، روش‌ها و کارهای خاص در زمنیه علوم ادبی است. نتیجه این بررسی مکتب ادبی لغوی و گرایش او را مشخص می‌سازد. در این سرفصل مباحث ذیل مطرح است: میزان تحصیل و تخصص در زمینه علوم مختلف ادبی، میزان تحصیل و تخصص در زمینه علوم غیر ادبی، گستره تحقیقاتی لغوی در تفسیر واژگان، نمونه‌های لغوی ویژه، روش لغوی در تحلیل داده‌ها، منابع کشف لغوی، نظریه‌های خاص لغوی، روش لغوی در ارائه، تعیین مکتب ادبی لغوی و تعیین تخصصی محل مراجعه.

۱. میزان تحصیل و تخصص

با توجه به اطلاعاتی که در بخش اطلاعات علمی به‌دست آمد و نیز اطلاعاتی که در مطالعه محتوایی آثار لغوی جمع‌آوری می‌شود، می‌توان میزان تحصیل و تخصص او در زمینه‌های مختلف را تعیین کرده و تأثیرگذاری آنها بر نظریات علمی او بررسی کرد. مجموع این اطلاعات و تحلیل‌های پیرامونی آن، بخشی از پازل ویژگی علمی لغوی را می‌سازد.

۲. گسترهٔ تحقیقاتی لغوی در تفسیر واژگان

شناخت گسترهٔ تحقیقاتی لغوی، زمینهٔ تخصص و بستر مراجعه به لغوی را معلوم می‌سازد. در سایه این شناخت، ضمن شناخت دقیق از شخصیت علمی لغوی معلوم می‌شود که با چه ملاک‌هایی می‌توان روش و دقت او را نقد و بررسی کرد. این گستره در چند محور قابل بررسی است:

یکم: **مراتب مختلف معنا**: بر اساس اندیشهٔ مراتب معنا، پنج مرتبه از معنا مطرح می‌باشد؛ معنای ریشه (ماده)، معنای هیئت، معنای استعمالی، مراد جدی متکلم و طیف معنا. به‌دست‌آوردن هر یک از این مراتب، روش منحصربه‌فردی را داراست؛ بنابراین روش نقد لغوی در دستیابی به هر یک از مراتب معنا مختلف خواهد بود. به‌عنوان مثال: معنای ماده با جمع‌آوری استعمالات مختلف و انتزاع معنای

مشترک میان استعمالات به‌دست می‌آید؛ در حالی که یکی از روش‌های اخذ مراد جدی متکلم، بعد از شناخت معنای ماده و معنای استعمالی و بیان احتمالات مختلف بر اساس این دو مرتبه معنایی، بررسی فضای صدور کلام، سیاق کلام و قرائن دیگر یکی از احتمالات است که به‌عنوان مراد جدی متکلم ترجیح داده می‌شود.

دوم: **استعمالات عام و استعمالات خاص**: واژگان و کاربری آنها، مواد کار لغوی است. برخی از لغویان به بررسی لغات خاص (واژگان فقهی، کلامی و...) و برخی به استعمالات عام عرب پرداخته‌اند. تفکیک عرف عام و عرف خاص در آثار و تحلیل‌های معنایی لغوی، به نقد آثار او دقت می‌بخشد.

سوم: **توجه به ویژگی‌های استعمال**: توجه به برخی ویژگی‌های استعمالی از جمله فصاحت استعمال، فرهنگ کاربری واژه، تطور (لفظ، معنا و دلالت)، حقیقی یا مجازی‌بودن استعمال و ...از جمله مواردی است که یک لغوی می‌تواند به آنها توجه نشان دهد.

چهارم: **توجه به استعمال‌های ویژه**: توجه به استعمالات مختلف مثل انواع مشتق‌ها از یک ماده، ابواب ثلاثی مزید مختلق از یک ماده، ضرب المثل ها، ویژه‌واژه‌ها، استعمالات دوره عرب جاهلی و ...بیانگر تنوع کار لغوی است.

پنجم: **لهجه استعمالات جمع‌آوری شده**: با توجه به تنوع لهجه لغات در زبان عربی و عدم توانایی بر جمع‌آوری استعمال تمام این لهجه‌ها، ضروی است تا مشخص شود لغوی لغت کدام قبیله را جمع کرده است. توجه به این مطلب ضمن مشخص ساختن گستره تحقیقاتی لغوی، راه نقد او را نیز باز می‌کند؛ چراکه ممکن است معنایی به عرب نسبت داده شود اما آن معنا تنها به بعضی از لهجه‌های عرب اختصاص داشته باشد.

۳. نمونه‌های ویژه

نمونه‌های ویژه و مهندسی معکوس آن، ویژگی‌های علمی لغوی را به نمایش می‌گذارد. ویژگی نمونه‌ها می‌تواند موارد زیر باشد: نمونه‌هایی که گسترۀ تحقیقاتی لغوی را نشان می‌دهد، تحلیل منحصربه‌فرد، نمونه‌هایی که شاخصه یک مکتب یا روش هستند، ارائه تفسیری ویژه از لغت که در فهم قرآن و حدیث راهگشا باشد و. ...آنچه بیش از جمع آوری یک نمونه خاص اهمیت دارد، تحلیل آن نمونه است؛ مبنای تولید نمونه، روش تولید نمونه، نظرات رقیب، کاربرد در قرآن و حدیث و. ...

نکته: با توجه به اینکه هدف از این تحقیق تکمیل الگوی فهم از متن قرآن و حدیث است، نمونه‌هایی مورد توجه هستند که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم در فهم قرآن و حدیث کاربرد دارند.

٤. روش لغوی در تحلیل داده‌ها

لغویان روش‌های مختلفی برای تحلیل داده‌های لغوی به‌کار می‌گیرند. برخی ادبا به سماع از عرب اکتفا می‌کنند؛ برخی اهل قیاس هستند و بعد از تولید قاعده آن را بر نمونه‌های دیگر تطبیق می‌دهند و نمونه‌های خارج از قاعده را شاذ می‌شمارند؛ برخی دیگر بر پایه سماع خود از عرب قاعده ساخته و سپس آن را تطبیق می‌دهند و. ...تنوع این روش‌ها یکی از عوامل زمینه‌ساز برای شکل‌گیری مکتب‌ها شده است؛ بنابراین تعیین روش لغوی می‌تواند مکتب او را مشخص سازد.

در مقالات و تراجم، هر لغوی به یک مکتب نسبت داده می‌شود؛ اما این انتساب همیشه مطابق با واقعیت نیست بلکه گاهی بررسی میدانی آرای لغوی نتیجه دیگری را نشان می‌دهد. این مطلب نشان می‌دهد که اکتفا به گزاره‌های مشهور کافی نیست و باید با رویکرد اجتهادی و با استفاده از مهندسی معکوس نظرات لغوی، مکتب او را تعیین کرد.
مانند: اصمعی پیرو مکتب بصره شمرده شده اما رویکرد انتقادی او به الکتاب سیبویه و نیز پرهیز از قیاس در لغت، این انتساب را زیر سؤال می‌برد. از سوی دیگر او به نقد آرای کوفیان هم پرداخته است. این مطلب نشان می‌دهد که نه می‌توان او را بصری و نه کوفی دانست؛ بلکه فرامکتبی است.

۵. منابع کشف لغوی

لغویان پیش از عصر متنبی همگی اهل کشف و سماع بوده‌اند و به جز موارد معدودی چون سیبویه، همگی اهل سفر به بادیه یا حداقل رفت‌وآمد به آن بوده‌اند. بنابراین با وجود آنکه گروه قابل‌توجهی از لغویان اهل قیاس و قاعده‌سازی بوده‌اند، عنصر کشف نقش عمده‌ای در تحلیل داده‌های لغوی داشته است؛ هرچند سهم این عنصر در بین ادبای مختلف و مکاتب متعدد ادبی تفاوت داشته است.
با توجه به این توضیح، منابع مختلفی که می‌توان برای کشف لغت (عرب و غیر عرب) برشمرد عبارت‌اند از:

- مردم بادیه‌ها و روستاها؛
- مردم شهر؛
- مردم خاص (از جهت زمانی یا مکانی یا صنفی)؛
- فرهنگ لغات قدیم و گزارشات استعمالات قدیم (گزارشات ادبی مثل شعر)؛
- گزارشات تاریخی قدیمی؛ یعنی گزارش‌های غیر لغت (گزارشات غیر ادبی)؛
- متون مقدس؛

متون مقدس هرچند ذیل مورد ٤ و ٥ می‌گنجد اما به‌جهت ویژگی‌ها و احکام خاص آن، جداگانه بیان شد؛ از جمله آنکه از سوی کسی صادر شده که مواد اولیه را وضع کرده، متکلم آن حکیم بوده و منبع مراجعهٔ مردم است.
متون مقدس خود بر سه دسته است: قرآن کریم، حدیث و کتاب‌های آسمانی پیشین (تورات، انجیل و...). استناد به احادیث نبوی و صحابه، خود عنصر مکتب‌ساز دیگری است که سهم استشهاد به آنها در میان ادبا مختلف است. احادیث ائمه معصومان علیهم‌السلام نیز اگر مورد استشهاد قرار گیرند، در ردیف سخنان فصیح (گزارش استعمالات) مطرح هستند و در نزد اهل‌سنّت ارزش ویژه‌ای ندارند.
تعیین هر یک از این منابع به‌عنوان منبع کشف لغوی و میزان استشهاد به آن، یکی دیگر از ویژگی‌های لغوی را روشن می‌سازد. این ویژگی به شناخت مکتب لغوی، روش او و نقد این روش به‌منظور الگوبرداری کمک می‌کند.

٦. نظرات لغوی

پذیرش مبانی خاص ادبی روش لغوی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ مثل ملاک اصالت لغت، تتبع حداکثری یا قیاس (قاعده‌سازی) حداکثری.

از سوی دیگر بین واژگان روابط معنایی مختلفی از قبیل اشتراک، ترادف، تضاد، أضداد و ...وجود دارد. پذیرش هر یک از این روابط و کیفیت این ارتباط ویژگی علمی دیگر هر لغوی محسوب می‌شود؛ همچنان که می‌تواند شاخصهٔ یک مکتب ادبی محسوب شود.

توجه به برخی گزاره‌های دیگر لغوی از قبیل چگونگی شکل‌گیری زبان‌ها، تطور واژگان، پدیده‌ها لفظی (مثل قلب، ابدال و...) و مواردی از این دست، بخش دیگری از نظریه‌های خاص لغوی را می‌سازند.

مانند: ابن‌سکّیت‌رحمه‌الله ضمن توجه به تطور لفظی واژگان در آثار خویش، فراتر از تطور معنایی واژگان، تطور در دلالت واژگان را نیز مطرح کرده است. بر این اساس در برخی از واژگان به‌منظور ارتقای معنا، علاوه بر تطور معنا در لفظ نیز تغییر ایجاد می‌شود؛ مجموع این تغییر لفظ و تغییر معنا نسبت به آن واژه تطور دلالت نامیده می‌شود. پذیرش این نظریه و به کارگیری آن در تفسیر واژگان، منحصربه‌فرد است.

مجموع این نظرات بخش دیگری از ویژگی‌های علمی لغوی را تکمیل، مکتب و روش او را شناسایی می‌کند.

۷. روش لغوی در ارائه

لغویان در ارائه آثار لغوی خود، با انگیزه‌های مختلف روش‌های مختلفی انتخاب کرده‌اند. این روش‌ها در چند محور قابل بررسی است:

یکم: **معجم‌نگاری یا تک‌نگاری**: نگاشته‌های لغوی ابتدا به شکل تک‌نگاری و موضوعی بوده است؛ مثل کتاب «الابل» اصمعی، کتاب «المقصور و الممدود» فراء و... به‌تدریج لغویان به بررسی عموم لغات پرداختند که برخی به شکل معجم لغوی (معجم العین، جمهرة اللغة، تهذیب اللغة و...) و برخی دیگر با اهداف دیگر نگاشته شدند. به‌عنوان مثال «اصلاح المنطق» ابن‌سکّیت و «الفصیح» ثعلب با هدف بیان خوانش فصیح واژگان نوشته شده‌اند. یافتن هدف نگارش این کتب، علاوه بر تعیین زمینهٔ بهره‌مندی از آنها کمک به شناخت دوران نگارش کتاب دارد. به‌عنوان مثال با توجه به نگارش در این موضوع در دو نسل متوالی و شروح متعدد نگاشته شده بر آنها معلوم می‌شود که این دوره، دوران اختلاط شدید واژگان‌ها بوده است.

دوم: **تبویب کتاب**: ترتیب بیان الفاظ در تک‌نگاری‌ها، ترتیب موضوعات و تبویب آنها در نگاشته‌های موضوعی، و ترتیب واژگان در معاجم لفظی بیانگر روش ارائه لغوی نسبت به دیدگاه‌های لغوی خویش است.

مثال: در معاجم لفظی (ترتیبی) چهارگونه ارائه «ابتثی»،[16] «ابجدی»،[17] «تقالیب»[18] و «تقفیه»[19] مشاهده می‌شود. معجم العین و تهذیب اللغة بر اساس روش تقالیب نگاشته شده‌اند.

نظم در ارائه و کیفیت آن تنها یک امر سلیقه‌ای نیست؛ بلکه برخاسته از مبانی خاص و یا اهداف خاص لغوی می‌باشد.

سوم: **نظم داخلی کتاب**: ادبا تلاش داشته‌اند که بیشترین معانی را با کمترین الفاظ برسانند. بر این اساس به‌طور کلی نظم داخلی در بیان گزاره‌های لغوی، بار معنایی خاصی دارد.

مثال: معمولاً شروع مدخل با پرکاربردترین استعمال است؛ بنابراین شروع مدخل همواره با فعل ماضی از آن ماده نیست؛ بلکه گاهی مصدر، گاهی اسم فاعل و یا حتی فعل ماضی در ابواب ثلاثی مزید است.

به هر صورت روش ارائه لغوی و مهندسی معکوس از آن به شناخت روش لغوی در دستیابی به معنای واژگان و تفسیر آنها دارد.

۸. تعیین مکتب ادبی لغوی

جمع بندی مجموع اطلاعات علمی و ویژگی‌های علمی مذکور، مکتب علمی لغوی را مشخص می‌سازد. بر اساس این بررسی‌ها، مکتب واقعی لغوی معلوم و انتساب‌های مشهور زیر سؤال می‌روند. علاوه بر این برخی ویژگی‌هایی که برای مکاتب ادبی شمرده شده‌اند تدقیق و بازبینی می‌شوند. در یک بیان، بررسی این موارد ریشه شکل‌گیری برخی مشهورات را روشن ساخته و آنها را اعتبارسنجی می‌کند.

۹. معرفی زمینه تخصصی محل مراجعه

جمع‌بندی ویژگی‌های علمی لغوی مشخص می‌سازد که در چه زمینه‌ای می‌توان از او استفاده تخصصی برد؛ به‌عنوان مثال: ابوزید انصاری جامع دواوین عرب، ثعلب شارح ویژه شعر، ابن‌سکیت پرچمدار تمییز صحیح و سقیم در ادب عرب بوده‌اند. ویژگی خاص جاحظ، ترکیب لغت با بلاغت است که به همین جهت تفسیر او از واژگان به شکل معنای بلاغی است. به همین شکل با مراجعه به آرای لغوی، نظرات دیگران در مورد او و شناخت ویژگی‌های علمی می‌توان زمینهٔ تخصصی مراجعه به لغوی را مشخص ساخت.

نتیجه‌گیری

یکی از مطالعات لازم در زمینه دانش فقه اللغة، روش‌شناسی لغویان است. این مطالعه با دو هدف انجام می‌گیرد: نخست، شناخت روش‌های مختلف لغویان، تعیین جایگاه هر روش و نقد آن‌ها؛ دوم،

۱۶. به‌ترتیب حروف الفبا.

۱۷. ترتیب بر اساس حرف ابجد.

۱۸. ترتیب بر اساس ترتیب مخارج حروف.

۱۹. ترتیب واژگان بر اساس لام الفعل.

الگوگیری از روش‌ها و تکمیل الگوی فهم متن و برداشت از متون دینی. به‌منظور این مطالعه، سه دسته از اطلاعات، یعنی اطلاعات هویتی (شناختی)، اطلاعات علمی و ویژگی‌های علمی هر لغوی جمع‌آوری می‌شود. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از سه روش مراجعه به خودنوشت‌های لغوی، مراجعه به آثار تاریخی و شبه تاریخی و مهندسی معکوس از آثار خود نویسنده انجام می‌گیرد. اطلاعات شناختی تصویر اولیه از شخصیت کلی لغوی به‌همراه برخی نکات دربارهٔ ویژگی‌های علمی او به‌دست می‌دهد؛ در مرحله بعد جمع‌آوری اطلاعات علمی شخصیت علمی و زمینه‌های تخصص لغوی را مشخص می‌سازد؛ در مرحله آخر ویژگی‌هایی که شخصیت علمی لغوی را از دیگر لغویان تمایز می‌بخشد، شناسایی می‌شود. مجموع اطلاعات علمی و ویژگی‌های علمی مکتب علمی لغوی را تعیین می‌کند. مقایسه ویژگی‌های علمی و ویژگی‌های برشمرده برای مکاتب ادبی مختلف، شناخت دقیق‌تری از ویژگی مکاتب ادبی و گرایش‌های لغوی در آن مکتب به‌دست می‌دهد. در نتیجه تمام این بررسی‌ها نقاط ضعف، نقاط قوت، زمینه تخصصی مراجعه به لغوی، گسترهٔ تحقیقاتی او (مراتب معنا، لهجه استعمال و...) و روش او در فهم از متن مشخص می‌شود. بعد از مشخص‌شدن جایگاه و مراحل مراجعه به قول لغوی، معلوم خواهد شد زمینه و مراحل مراجعه به هر مکتب ادبی چیست. هدف نهایی از این بررسی شناخت الگوی افراد توانمند در فهم متن، نقد آن، ترسیم الگوی مناسب در امر فهم متن است. پس از مشخص‌شدن ابزار و قالب مناسب برای فهم و مدل‌سازی از آن، نوبت به بومی سازی آن در قالب دانش اصول و در نهایت استفاده از مدل نهایی در فهم قرآن و روایات می‌رسد.

پیوست: کاربرگ روش‌شناسی لغویان

اطلاعات هویتی	تولد و وفات	ولادت	تاریخ	
			مکان	
		وفات	تاریخ	
			مکان	
	رشد	مکان		
		ویژگی‌ها		
	قبیله	پدر	–	سنجش اصالت
		مادر	–	

<table dir="rtl">
<tr><td rowspan="2"></td><td>صفات بارز اخلاقی و دینی</td><td></td></tr>
<tr><td>مذهب</td><td></td></tr>
</table>

<table dir="rtl">
<tr><td rowspan="9">اطلاعات علمی</td><td rowspan="3">اطلاعات تحصیلی</td><td>زمینه تحصیلی</td><td colspan="3">اساتید</td></tr>
<tr><td></td><td colspan="3"></td></tr>
<tr><td></td><td colspan="3"></td></tr>
<tr><td rowspan="4">سفرهای علمی</td><td rowspan="2">سفرهای تحصیلی</td><td>زمان و مکان سفر</td><td>دستاوردها</td><td>نوع تحصیل</td></tr>
<tr><td></td><td></td><td></td></tr>
<tr><td>سفرهای پژوهشی</td><td></td><td></td><td></td></tr>
<tr><td>سفرهای مهم دیگر</td><td colspan="3"></td></tr>
<tr><td rowspan="2">تدریس</td><td>زمینه تدریس</td><td colspan="3">شاگردان</td></tr>
<tr><td></td><td colspan="3"></td></tr>
</table>

<table dir="rtl">
<tr><td rowspan="4">ویژگی‌های علمی</td><td rowspan="2">زمینه‌های کاری</td><td>علوم ادبی</td><td>علوم غیر ادبی</td><td>مراتب معنا</td><td>منطقه و لهجه استعمالات</td></tr>
<tr><td></td><td></td><td></td><td></td></tr>
<tr><td>روش</td><td colspan="4"></td></tr>
<tr><td>منابع کشف</td><td colspan="4"></td></tr>
</table>

	نظریات خاص	
	مکتب	
	زمینه تخصصی مورد مراجعه	

کتابنامه

۱. قرآن کریم.

۲. الاجتهاد و التقلید، سیدروح‌الله خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم ونشر آثار امام خمینی﬩، الطبعة الثانیة، ۱۳۸٤ش.

۳. تاریخ بغداد أو مدینة السلام، الامام الحافظ أبی‌بکر أحمد بن علی الخطیب البغدادی، مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤١٧ق.

٤. تهذیب اللغة، ازهری، محمد بن احمد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٢١ق.

٥. درآمدی بر دانش لغت عربی، محمدحسن ربانی بیرجندی، قم: جامعة المصطفی، ۱۳۹۰ش.

٦. درآمدی بر لغت‌شناسی، دفتر تدوین متون، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، چهارم، ۱۳۹٦ش.

۷. درسنامه علم لغت، محمدحسن وکیلی، مهدی صارمی، مشهد: مؤسسهٔ مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام نور، ۱۳۹۹ش.

۸. العین، خلیل بن احمد فراهیدی، قم: نشر هجرت، الطبعة الثانیة، ١٤٠٩ق.

۹. فلسفهٔ فلسفه اسلامی، عبدالحسین خسروپناه، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ش.

۱۰. تقریر کارگاه فقه اللغة، استاد محمدمهدی احسانی‌فر، قم: مدرسه علمیه امام محمد باقر﵇، ۱۳۹۹ش.

۱۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیة، چهارم، ١٤٠٧ق.

۱۲. «واکاوی ضرروت‌ها و کارکردهای فلسفهٔ علم اصول»، گفت‌وگو با آیت‌الله مهدی هادوی تهرانی، مجله محفل، تهران: حوزه علمیه استان تهران، شمارهٔ ۱۵، پاییز ۱۳۹۳ش.